

نمایه ناتمام بناهای آرامگاهی

انسان در هر برهه‌ای از تاریخ، جغرافیای انسانی، شهری و منطوقهای خود را رقم زده، و با در اختیار گرفتن و هدایت نمودن عوامل جغرافیایی، موفق به ثبت جایگاهی در تاریخ برای خود شده است. وجود نمایه‌هایی از اساطیر و جلوه‌های ویژه آن، عناصر طبیعی منطقه‌ای، انگاره‌های قومی و باورهای ملی - مذهبی در تثبیت این جایگاه از تأثیر بسزایی برخوردار بوده است. به همین لحاظ، جغرافیای تاریخی همراه با گونه‌های بازیافتی‌اش مآخذ مناسبی برای بیان، بررسی و تحلیل شرایط و مدنیت جوامع انسانی می‌باشد، چه اینکه حضور انسان در محیط و تأثیرات متقابلی که زمان بر این دو عامل بر جای می‌گذارد، خود مبین تغییر و تحولاتی ارزشمند است که به نوعی کشف روابط متقابل بین انسان، محیط و زمان را امکانپذیر می‌سازد.

معماری نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های قومی مورد مطالعه در جغرافیای تاریخی به کشف این روابط و تجزیه و تحلیل ساختاری و محتوایی آن‌ها می‌پردازد. چه اینکه معماری برآیند اندیشه فرهنگی و هنری هر قوم است که از تباری تاریخی و جغرافیایی حاصل می‌شود. در میان آثار بجا مانده معماری بالاخص ادوار گذشته، «معماری آرامگاهی» دارای قدمتی دیرینه است. این دسته از آثار که از نظر تاریخی - هنری - مذهبی و اجتماعی قابل بررسی اند، بیش از هر چیز حاصل دو دیدگاه می‌باشند؛ نخست اعتقاد باین این بناها و آثار به جهان پس از مرگ و معاد، و دیگری ارج و منزلت اجتماعی - دینی - سیاسی و ملی متوفیان. بر این اساس شناخت و بررسی این نوع تاریخی معماری آرامگاه‌ها می‌تواند بسیار گویا واقعیت‌های ارزشمندی از نقطه نظر اجتماعی، فرهنگی و ... باشد.

مجموعه «بناهای آرامگاهی» عنوان دومین مجلد از دائرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی است که به توسط پژوهشگاه هنر و فرهنگ اسلامی حوزه هنری منتشر گردیده است. از آنجا که این مجموعه در بردارنده مشخصات اینگونه بناهاست، قبل از هر چیز ضرورت پرداختن تحلیلی - ساختاری به این نوع آرامگاهی از منظر هنرشناسی دینی امری محسوس است. در این مجموعه که آثار آرامگاهی، امامزاده‌ها، برج‌ها، بقعه‌ها، گنبدها و مجموعه‌های آرامگاهی معرفی گردیده‌اند، نکاتی چند حائز اهمیت است که به ترتیب در ذیل به آنها پرداخته می‌شود:

۱ - قبل از هر چیز لازم به نظر می‌رسد که مطالبی تفصیلی پیرامون گونه‌شناسی این نوع تاریخی - مذهبی در ادوار

مختلف تاریخی بیان شود که متأسفانه مجموعه حاضر فاقد این بررسی است. ضرورت وجود چنین تحلیلی از آنجا حاصل می‌شود که اینگونه آثار و این نوع تاریخی بخشی از هویت معماری دینی و نگره‌های مذهبی - تاریخی معماری را در خود دارند، لذا بررسی همه جانبه آنها می‌تواند در مشخص سازی سیر صعودی و یا نزولی معماری قومی - مذهبی تأثیر بسزایی داشته باشد. از دیگر سو چون قدمت ساخت و ساز آرامگاه‌ها و معماری آرامگاهی به ادوار پیش از

حضور انسان در محیط و تأثیرات متقابلی که زمان بر این دو عامل بر جای می‌گذارد، خود مبین تغییر و تحولاتی ارزشمند است که به نوعی کشف روابط متقابل بین انسان، محیط و زمان را امکانپذیر می‌سازد.

اساطیر، باورهای ملی و مذهبی، انگاره‌های قومی و صورت‌های مثالی و خیالی در نزد هر قومی، بخش قابل توجهی از زیر ساخت معناشناسی هنرهای بومی را شامل می‌شود.

اگر کار پژوهشی صرفاً در حیطه رفع تکلیف دیده شود، ناخودآگاه از سندیت و اعتبار آفرینی اثر کاسته خواهد شد و این نقیصه که بیشتر به نوع نگرش پژوهشی ما باز می‌گردد همچنان در محدوده مطالعات کتابخانه‌ای متوقف خواهد ماند.

تاریخ باز می‌گردد، انجام مطالعه دقیق می‌توانست در معرفی سیر تطور معماری اینگونه آثار نیز مؤثر افتد.

۲ - چنین به نظر می‌رسد که در ترکیب بندی مطالب این مجموعه، بیشترین سهم به اطلاعات حاصل از مطالعه کتابخانه‌ای اختصاص دارد. در صورتی که انجام مطالعات میدانی در غنی ساختن پژوهش‌های تاریخی - هنری، به خودی خود نوعی نقطه اتکاء پژوهش بوده و از اجزاء غیر قابل تفکیک موضوع مورد بررسی می‌باشد. چه اینکه «مشاهده» در بازیافت‌های تاریخی پایه مطالعات تکمیلی نیز هست.

۳ - اساطیر، باورهای ملی و مذهبی، انگاره‌های قومی و صورت‌های مثالی و خیالی در نزد هر قومی بخش قابل توجهی از زیر ساخت معناشناسی (Semantics) هنرهای بومی را شامل می‌شود. پوشیده نیست که این همه، به نوبه خود، از سهم بسزایی در صورت بخشیدن به تصورات در معماری، و انتقال گزاره‌های آنها در قالب تأثرات حسی Impressions برخوردار می‌باشد.

از این نظر نیز در این مجموعه هیچگونه بازیافتی در

خصوص عوامل فوق‌الذکر در ریخت‌شناسی و ارزش‌های ماندگار در معماری اسلامی صورت پذیرفته است.

۴ - زیننده بود که بناهای آرامگاهی به تفکیک استان‌ها و شهرستان‌های تابعه کشور ارائه شود. این تفکیک به نوبه خود، علاوه بر فراهم آوردن امکان مطالعه همسوی عوامل تاریخی - جغرافیایی و فرهنگی در این نوع آرامگاهی، روند شناخت گونه‌های معماری اینگونه ابنیه در مناطق مختلف کشور را می‌نمایاند.

۵ - شایسته بود که نقشه‌ای از پراکنندگی این ابنیه در ایران تهیه و به این مجموعه افزوده می‌شد. علاوه بر این، تقسیم‌بندی بناهای آرامگاهی، می‌توانست با در نظر داشتن دوران تاریخی و ویژگی‌های هنر اسلامی در هر دوره عنوان شود. ترتیب الفبایی برای این مجموعه ترتیب علمی قابل قبولی به نظر نمی‌رسد.

۶ - عنوان «دانشنامه» و دائرةالمعارف برای مجموعه حاضر قدری عظیم می‌نماید، چه اینکه در «بناهای آرامگاهی» تنها به ذکر عناوین آثار و مشخصات دانشنامه‌ای آنها، و توضیحاتی خلاصه (و نه در خور پژوهش‌های پژوهشگاهی) همراه با نقشه‌هایی (Plan) که قطعاً نمونه بهنگام (up to data) آنها، در زمان حاضر موجود نیست بسنده شده است. با این همه شاید بتوان گفت که «مقدمه‌ای بر شناخت بناهای آرامگاهی» عنوانی قابل قبول برای مجموعه حاضر باشد.

نشر چنین مجموعه‌هایی، اگر موفق به حفظ ارزش‌های هنری پژوهش شود و از دیگر سو بتواند در تبیین هر چه بیشتر اصول و فلسفه هنر اسلامی، و روح جاری در آثار بجا مانده در آن‌ها اهتمام ورزد امری ستودنی است و می‌تواند در هدایت دیدگاه‌های نظریه پردازان و دانش پژوهان هنر مؤثر افتد. در غیر اینصورت، اگر کار پژوهشی صرفاً در حیطه رفع تکلیف دیده شود، ناخودآگاه، از سندیت و اعتبار آفرینی اثر کاسته خواهد شد، و این نقیصه که بیشتر به نوع نگرش پژوهشی ما باز می‌گردد همچنان در محدوده مطالعات کتابخانه‌ای متوقف خواهد ماند، نقیصه عظیم و نابخشودنی که متأسفانه سنگ مجموعه بناهای آرامگاهی بر آن نهاده شده است.

یادداشت

بقیه از صفحه ۶

نداشته حذف کرده و نقل نمی‌کند. مورخ دیگر ابن طقطقی است که در قرن هفتم زنگی می‌کرد. اثر معروف او الفخری نام دارد که تاریخ دولت عباسیان است. او با دیده نقد و نظر به این دولت نگریسته و سقوط آنرا مورد بررسی قرار می‌دهد. مورخ نقاد دیگر در عرصه تاریخ‌نگاری مسلمانان ابن خلدون است. او در قرن هشتم هجری می‌زیست و کتاب معروف الصبر را نوشته و مقدمه او شهرتی جهانی دارد. ابن خلدون در مقدمه به ارزیابی و نقادی تاریخ نویسی پیشینیان پرداخته و ذکر اخبار ضعیف و نادرست را موجب گمراهی در تاریخ دانسته و معتقد است که چنانکه خبری با عقل انطباق نداشته باشد یعنی عقل بر وقوع آن صحه نگذارد محل اعتبار و اعتنا نخواهد بود.

لذا در قدم اول و در سرآغاز راه تذکر سنت پسندیده مورخان مسلمان در نقد اخبار و نقادی در تاریخ را سرلوحه کار در راه قرار می‌دهیم. ان شاءالله □